

• دریافت ۱۴۰۰/۱۰/۰۷

• تأیید ۱۴۰۰/۱۲/۱۸

از ساختار معنادار رمان «العودة إلى المنفى» اثر «أبوالمعاطي أبوالنجا» تا ساختار جامعه مصر

حسین کیانی *

خاطره احمدی **

شهلا جعفری ***

چکیده

نقد جامعه‌شناختی به بررسی رابطه اثر ادبی با جامعه و تأثیر متقابل آنها می‌پردازد. از آنجا که متن ادبی به عنوان کلیتی معنادار با جامعه، تاریخ، سیاست و اقتصاد رابطه دیالکتیکی برقرار می‌سازد؛ بنابراین بررسی جامعه‌شناختی متون ادبی نیازمند روشی است که قابلیت تبیین رابطه میان ساخت و محتوای اثر ادبی با ساختار اجتماعی را داشته باشد. بدین ترتیب پژوهش حاضر بر آن است تا با روش تحلیل محتوای کیفی و با رویکرد ساخت‌گرایی تکوینی گلدمن، ابتدا ساختار اثر ادبی و اساسی‌ترین عناصر آن، مانند درونمایه، جهان بینی و شخصیت قهرمان رمان «العودة إلى المنفى» (در راستای مؤلفه‌های نظریه ساخت‌گرایی تکوینی) و سپس زیرساخت‌های مهم جامعه مصر در زمان «ابوالمعاطی ابوالنجا» را در دو سطح دریافت و تشریح، مورد نقد و تحلیل قرار دهد. نتایج پژوهش بیانگر آن است که ابوالمعاطی از طریق درونمایه فساد سیاسی، فاصله طبقاتی، ظلم اجتماعی و فقر اقتصادی را به تصویر کشیده و زمینه کشف ارتباط بین ساختار اثر ادبی خویش و ساختار جامعه مصر در بازه زمانی ۱۸۵۹ تا ۱۸۷۷ را فراهم ساخته است. همچنین جهان‌بینی نویسنده در قالب آگاهی جمعی طبقه متوسط نمود یافته است که قهرمان پروبلماتیک این آگاهی جمعی را به سمت آگاهی ممکن سوق داده است. در مرحله تشریح نیز جهت فهم‌پذیر کردن متن ادبی، رابطه اثر ادبی و ساختارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی تبیین گردید و این امر حکایت از آن دارد که بین ساختار معنادار رمان ابوالمعاطی با ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه مصر در بازه زمانی پیش‌گفته تطابق و هماهنگی وجود دارد.

واژگان کلیدی: ساخت‌گرایی تکوینی، ساختار معنادار، گلدمن، ابوالمعاطی ابوالنجا، العودة إلى المنفى.

hkyaanee@shirazu.ac.ir
kahmadi200@yahoo.com
sh.jafary90@gmail.com

* دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شیراز (نویسنده مسؤول)
** دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اصفهان
*** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شیراز

۱- مقدمه

ادبیات پدیده‌ای اجتماعی است و می‌توان گفت رابطه‌ی جامعه و ادبیات همواره محل بحث منتقدان بوده است؛ زیرا هیچ‌گاه «محیط ادبی از تأثیر محیط اجتماعی نمی‌تواند برکنار باشد. افکار و عقاید و ذوق‌ها و اندیشه‌ها تابع احوال اجتماعی است. در نقد اجتماعی، تأثیری که ادبیات در جامعه دارد و نیز تأثیری که جامعه بر آثار ادبی دارد، مورد مطالعه قرار می‌گیرد» (زرین کوب، ۱۳۶۱: ۴۱). در حقیقت «ادبیات و هنر را به عنوان صف‌شکن آفرینش فرهنگی و عامل دگرگونی و تغییرات اجتماعی در نظر می‌گیرند» (بیلینگتون، ۱۳۸۰: ۱۳). در میان انواع ادبی، رمان هم به لحاظ تاریخچه پیدایش و رشد، و هم از نظر ساختار و محتوا، ارتباط خاصی با مسائل اجتماعی دارد. پیدایش رمان، به معنی امروزی آن، تحت تأثیر اوضاع اجتماعی خاصی (عصر رنسانس) صورت گرفته و سپس جامعه نیز متقابلاً از رمان و اندیشه‌های رمان‌نویسان تأثیر پذیرفته است؛ مانند رمان دن کیشوت اثر سروانتس که «جامعه در حال تغییر آن را به وجود آورده و این رمان، به سرعت در خوانندگان و برداشت‌هاشان از دنیای نو تأثیر گذارده است» (عسگری حسنکلو، ۱۳۸۵: ۸۹).

از دیدگاه گلدمن رمان فرآیند ساختار اجتماعی ویژه‌ای است که قهرمان آن به عنوان شخص پروبلماتیک با در نظر گرفتن بیشینه آگاهی ممکن جامعه یا طبقه‌ای خاص، سبب آفرینش این نوع ادبی می‌شود (ر. ک: گلدمن، ۱۳۷۶: ۳۲۸). پس واژه‌ی ساختار، بیانگر وجود رابطه بین اثر ادبی (متن) و جامعه (فرا متن) می‌باشد؛ منظور از این امر، رابطه بین ساختارهای ذهنی اثر ادبی و واقعیت اجتماعی است که «همزمان هم آگاهی تجربی یک گروه اجتماعی و هم دنیای تخیلی آفریده شده توسط نویسنده را سازمان می‌دهند» (طلوعی، ۱۳۸۶: ۳). نظر به اینکه گلدمن از پیشگامان ساختگرایی است و بررسی ساختگرایانه، سنگ بنای دیدگاه نقدی وی را تشکیل می‌دهد و از سوی دیگر کشف ساختار معنادار سبب پیوند و انسجام اثر ادبی و

عناصر سازنده آن (به عنوان متن) با ساختارهای جامعه (فرا متن) می‌شود، بدین ترتیب این پژوهش بر آن است تا به تحلیل ساختارهای معنادار رمان ابوالمعاطی ابوالنجا (۱۹۳۱-۲۰۱۶) و ساختار جامعه مصر در زمان این رمان نویسنده مصری بپردازد. اهمیت این نوع تحلیل در آن است که با کشف ساختار معنادار رمان ابوالمعاطی، پیوند و انسجام عناصر تشکیل دهنده آن آشکار می‌گردد، همچنین بخش مهمی از ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه مصر در زمان ابوالمعاطی نیز تبیین می‌گردد.

۱-۱. پرسش‌های پژوهش:

این پژوهش بر آن است تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. ساختار معنادار رمان ابوالمعاطی از چه عناصری تشکیل شده است؟
۲. پیوند ساختار معنادار رمان با ساختارهای تاریخی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی چگونه است؟

۲-۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی را که در گستره ادبیات عربی به نقد جامعه شناختی اثر ادبی بر اساس نظریه گلدمن پرداخته‌اند، می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

۱. دسته اول: پژوهش‌هایی است که ساختار معنادار اثر ادبی را در قالب شخصیت و درونمایه مورد بررسی قرار داده‌اند.
۲. دسته دوم: پژوهش‌هایی است که به جهان‌بینی نویسنده اثر ادبی (به عنوان آگاهی جمعی) پرداخته‌اند.

۱-۲-۱. دسته نخست:

عبداللهی و ایزانلو (۱۳۹۱) ضمن تحلیل جامعه‌شناختی رمان زقاق المدق به تأثیر شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حاکم بر شخصیت‌های داستان اشاره کرده و به

این نتیجه رسیده‌اند که در این رمان، سنت در تقابل با مدرنیته قرار دارد و از مهم‌ترین درونمایه‌های این اثر، می‌توان به فاسد شدن زنان، فقر اقتصادی و ناآگاهی سیاسی اشاره کرد.

ملا ابراهیمی و رحیمی (۱۳۹۴) به بازتاب شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر زمان نویسنده رمان (جبرا ابراهیم جبرا) پرداخته‌اند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که جبرا ابراهیم جبرا با آفرینش شخصیت‌هایی از طبقات مختلف جامعه به انعکاس اوضاع جامعه‌ی زمان خویش در قالب اثر ادبی پرداخته است و از طریق درونمایه، هماهنگی و وحدت بین اجزاء و عناصر داستان برقرار ساخته است.

پژوهش میرزائی و شیخی (۱۳۹۸) نقد جامعه‌شناختی اسطوره‌اندازه‌ها را در برمی‌گیرد و نشان می‌دهد که مهم‌ترین مشکلات روستاهای مصر ناشی از فقر، خرافات و بهره‌مند نشدن از آموزش است. نگارندگان این پژوهش همچنین از طریق تحلیل شخصیت‌های رمان به تضاد طبقاتی موجود در جامعه و طبقات مختلف مردم روستا اشاره کرده‌اند.

۱-۲-۲. دسته دوم:

شامل پژوهش‌هایی است که بیشتر جهان‌بینی نویسنده اثر ادبی را مورد توجه قرار داده‌اند. عبدی (۱۳۹۱) از خلال تحلیل جامعه‌شناسی رمان الزلزال به مسأله قانون اصلاحات ارضی ۱۹۷۱ در الجزائر اشاره کرده است و به دنبال پیوند ساختاری بین اثر ادبی و جهان‌بینی نویسنده است. وی جهان‌بینی پنهان اثر را در ستایش سوسیالیستی بودن نویسنده و بیزارگی وی از طبقات سرمایه‌دار می‌داند و معتقد است این امر به‌گونه‌ای سبب رویارویی متناقض بین رخدادهای مکان‌های داستان شده است.

صدقی و همکاران (۱۳۹۱) نشانه‌های شهر پاریس در رمان الحی اللاتینی را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده‌اند که سهیل ادریس، نویسنده رمان،

متعلق به طبقه سوسیالیستی است و جهان بینی اثر ادبی وی بیانگر دیدگاه اجتماعی روشنفکران لبنانی می‌باشد.

پژوهش جامعه شناختی گنجیان و جمشیدیان (۱۳۹۴) در رمان أوراق العمام عبدالعاطی بیشتر به رئالیسم انتقادی نظر دارد؛ به گونه‌ای که عنصر غالب این پژوهش، انتقاد از اوضاع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مصر می‌باشد و جهان‌بینی نویسنده اثر ادبی مبتنی بر جایگاه اجتماعی هنرمند و روشنفکر در جامعه مصر بوده است.

۱-۲-۳. تحلیل پیشینه پژوهش

تحلیل پژوهش‌های دسته اول نشان می‌دهد گرچه نگارندگان این پژوهش‌ها، به مهم‌ترین ساختارهای اثر ادبی (شخصیت و درونمایه) و ساختارهای جامعه به عنوان یکی از مؤلفه‌های نظریه گلدمن توجه داشته‌اند؛ اما مفاهیم این نظریه در کاربست مقاله به روشنی مشهود نیست؛ به عبارت دیگر، پژوهش‌های مذکور در راستای مبانی نظری عمل نکرده‌اند و بین بخش نظری و عملی پژوهش، تطابق و انسجام کافی وجود ندارد. بنابراین آنچه در پژوهش‌های گروه اول به وضوح دیده می‌شود، اهمیتی است که به شخصیت و شخصیت‌پردازی شده است؛ به گونه‌ای که کلیت اثر ادبی در قالب شخصیت‌ها نمود یافته است و نویسندگان بدون تحلیل زیرساخت‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه، مشکلات جامعه را در قالب شخصیت‌ها بیان کرده‌اند.

با نگاهی به پژوهش‌های دسته دوم دریافت می‌شود که نویسندگان به خوبی به دلالت‌های معنایی اثر اشاره کرده‌اند. در این پژوهش‌ها جهان‌بینی نویسنده و دیدگاه فکری و اجتماعی وی به عنوان نماینده یک طبقه اجتماعی از طریق محتوای اثر ادبی ذکر شده است. به عبارت دیگر پیوند ساختاری بین اثر ادبی و جهان‌بینی نویسنده بیان شده است؛ اما از تحلیل رابطه‌ی ساختار معنادار اثر ادبی با ساختار جامعه سخنی به میان نیامده است.

در این راستا تفاوت پژوهش حاضر، که ترکیبی از پژوهش دسته اول و دوم می‌باشد، با پژوهش‌های پیش‌گفته آن است که نگارندگان با در نظر گرفتن روش‌شناسی و اجرای پویا و فعال نظریه‌گلدمن در صدد رفع گسست موجود بین بخش نظری و عملی مقاله‌های پیشین برآمده‌اند؛ به گونه‌ای که قلمرو نظریه‌گلدمن با متن پژوهش همخوانی و انسجام داشته باشد. به عبارت دیگر کشف ساختار معنادار «رمان العودة إلى المنفى» و تلاش جهت تبیین ساختار جامعه مصر در زمان ابوالمعاطی ابوالنجا از اهداف مقاله حاضر به شمار می‌رود.

۲- مبانی نظری پژوهش

جامعه‌شناسی ادبیات، دانشی بینارشته‌ای است که به بررسی رابطه آثار ادبی و مقتضیات جامعه، پیوند بین ساختار ادبی و ساختارهای جامعه و نیز تبیین جهان بینی و دیدگاه فکری، اجتماعی و سیاسی نویسنده اثر ادبی می‌پردازد.

آنچه امروزه به عنوان جامعه‌شناسی ادبیات شناخته می‌شود علمی است که جورج لوکاچ (۱۸۸۵-۱۹۷۱) آن را پایه ریزی کرد و سپس گلدمن (۱۹۱۳-۱۹۷۰) آنرا گسترش داد. لوکاچ دیالکتیک اثر ادبی و تحول اجتماعی را مطرح کرد و به دلیل آثار تحولات ادبی و اجتماعی پس از جنگ جهانی اول، «ساختار ادبی و مرحله‌ای از دیالکتیک تاریخی- فلسفی را ساخته و پرداخته کرد و آن‌ها را در یک کلیت به هم پیوند داد تا سرانجام به این نتیجه برسد که هر مرحله‌ای از تاریخ اجتماعی با یک فرم یا صورت بزرگ ادبی همراه است که طی آن جان با جهان و ذهن با عین متناسب و از هماهنگی کامل برخوردار می‌باشند» (ایوتادیه، ۱۳۷۷: ۹۹). ایشان جهان بینی نویسنده را نه تنها در ساختار اثر، بلکه در ساختار عصر نویسنده قابل دسترسی می‌دانست. پس از وی گلدمن، اندیشه‌های لوکاچ به ویژه جهان بینی نویسنده اثر ادبی را توسعه بخشید، که از دیدگاه وی بیانگر نظام فکری یک گروه اجتماعی است و از مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه تأثیر پذیرفته است.

یکی از مهم‌ترین ارکان نظریه ساخت‌گرایی گلدمن، مؤلفه ساختار معنادار می‌باشد که علاوه بر ساختار ظاهری، به ساختار درونی اثر ادبی نیز توجه دارد. بدین ترتیب «هر رفتار انسانی کوششی است برای دادن پاسخی معنادار به وضعیتی معین و از همین رهگذر، ایجاد تعادل میان فاعل عمل و موضوعی است که عمل بر آن واقع شده است. این فرضیه البته پذیرفتنی است به شرط آنکه مطلق نباشد. گرچه در مجموع، فرآیندهای ساخت‌گیری و ساخت‌شکنی تعادل ایجاد می‌کنند، اما الزامی نیست که در هر مورد خاص پاسخ داده شده {فرد} معنادار باشد (پوینده، ۱۳۷۶: ۱۹۸).

از دیگر مؤلفه‌های گلدمن که با ساختار رمان پیوند تنگاتنگی دارد، قهرمان رمان می‌باشد که به پیروی از استاد خویش، لوکاچ، از آن با عنوان قهرمان پروبلماتیک یاد کرده است. «قهرمان رمان فردی مسئله‌دار است و در جامعه‌ای که ارزش‌های کمی نظیر کالا و سرمایه اهمیت اساسی دارد، به جست و جوی ارزش‌های اصیل، کیفی و راستین برمی‌آید؛ ارزش‌هایی چون عدالت، آزادی و عشق. اما جست و جوی او بی‌حاصل است» (گلدمن، ۱۳۷۱: ۲۶-۳۲). وی فاعل آفرینش‌های فرهنگی را نه یک فرد، بلکه جهان‌بینی یک جمع می‌داند که نویسنده به عنوان فردی برخاسته از میان جمع، به جهان‌بینی آن جمع، شکل هنری ویژه‌ای می‌بخشد (همان، ۳۲۱ و ۳۲۲). از نظر گلدمن جهان‌بینی «شیوه‌ای است که به وسیله آن واقعیتی دیده و احساس شده است و یا نظامی از اندیشه است که مسیر تحقق اثر را هدایت می‌کند» (پاسکادی، ۱۳۷۶: ۶۱).

آگاهی ممکن نیز از اجزای اساسی نظریه ساخت‌گرایی تکوینی می‌باشد و به تغییراتی که در آگاهی گروهی رخ می‌دهد، اشاره دارد، بی آن‌که ماهیت گروه را تغییر دهد. نویسنده اثر ادبی، این آگاهی را از طریق گروهی که بدان تعلق دارد، منعکس می‌نماید. «آگاهی ممکن متعلق به یک طبقه اجتماعی است و افق میدان دید آن گروه را در جامعه نشان می‌دهد. همچنین حداکثر آگاهی ممکن یک طبقه اجتماعی، یک جهان‌بینی منسجم را تشکیل می‌دهد (شهبازی و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۰).

۴- روش شناسی پژوهش

روش شناسی ساخت‌گرای تکوینی، بر اساس رابطه دیالکتیک اثر ادبی و جامعه استوار است که به صورت کلیت مطرح می‌شود؛ زیرا «کلیت فرایندی مداوم است که در سطح دریافت (الگوی ساختاری معنادار) و سطح تشریح (زمینه تاریخی، اجتماعی و فرهنگی) ارزیابی می‌شود. کلیت به عنوان مقوله‌ای روش شناختی در اندیشه گلدمن حائز اهمیت بسیار بوده و با این نتیجه‌گیری که شناخت اجزاء تابع کل است و درک کل نیز مشروط به شناخت اجزاء و فهم مناسبات میان آن‌ها می‌باشد» (گلدمن، ۱۳۷۷: ۲۱۲ و ۲۱۳). بر این اساس، «دریافت یعنی روشن کردن ساختار معنادار درونی اثر ادبی و تشریح یعنی گنجانیدن این ساختار معنادار به عنوان عنصر سازنده و کارکردی در یک ساختار بی واسطه فراگیر که ابتدا پژوهشگر به بررسی مفصل و جامع آن نمی‌پردازد و فقط تا حدی که برای روشن‌تر کردن تکوین اثر مورد تحلیل لازم است، آن را بررسی می‌کند» (همان: ۲۱۴ و ۲۱۵).

بدین ترتیب این مقاله بر آن است تا با روش تحلیل محتوای کیفی و با رویکرد ساخت‌گرای تکوینی، به تحلیل ساختار معنادار رمان «العودة إلى المنفى» و سپس ساختار جامعه مصر در دو مرحله «دریافت» و «تشریح» بپردازد. «توصیف انسجام درونی یک ساختار به دریافت این ساختار و تعریف درونی آن می‌انجامد. اما برای تشریح این ساختار باید آن را به ساختارهای فراگیر پیوند داد. یعنی اندیشه اصلی و صورت و محتوای متن را در پیوند با ساختاری عام‌تر که همان جامعه متن است در نظر گرفت» (زیم، ۱۳۷۷: ۱۴۵).

۳- خلاصه داستان

قسمت اول داستان از اینجا شروع می‌شود که سال ۱۸۷۷م در شهر طنطا در مصر مردی پرآوازه به نام شاهین باشا کنج زندگی می‌کرد. روزی از روزها ایات زیبایی را از

یک کودک شنید و از وی پرسید: این شعر زیبا از کیست؟ کودک داستانی طولانی و عجیب از مردی به نام عبدالله ندیم را برای او تعریف کرد. شاهین پاشا دستوار داد جهت بازیچه قرار دادن غرور و عظمت ندیم، مسابقه‌ای عمومی در میدان قصر برگزار شود و مقرر کرد که در صورتی که شاعران بر ندیم پیروز شوند، به هر کدام ۵ جلیقه جایزه دهد و در صورتی که شکست بخورند هر کدام را ۲۰ شلاق بزنند. پس از شروع مسابقه، ندیم، اشعار دیگران را با شعر پاسخ می‌داد. بنابراین آن‌ها نتوانستند ندیم را شکست دهند.

نویسنده در قسمت دوم داستان از هنر فلاش بک استفاده می‌کند و به سال ۱۸۵۹ م. بر می‌گردد که جماعتی از بزرگان در مورد کودک نابغه‌ای به نام «عبدالله ندیم» سخن می‌گفتند؛ او ۱۴ ساله بود که در ادبیات زبانزد خاص و عام گشت، بنابراین بزرگان انتظار دیدنش را می‌کشیدند. وی مدتی در تلگراف خانه دفتر کاخ عالی مشغول به کار شد. اما طولی نکشید که از قصر اخراج شد و به سمت روستای «بدوای» رفت که پادشاهی به نام «عمده» که دست‌نشانده شاهین پاشا بود، بر آن حکمرانی می‌کرد. در این روستا ملزم شد تا فرزندان "عمده" را آموزش دهد و زمانی که تقاضای حقوق خود را کرد، با خشم عمده روبرو شد. در نتیجه از ترس از دست دادن جان خود، بدوای را ترک کرده و به منصوره رفت.

وی که از اوضاع وخیم کشور ناراحت بود، در همه جا سخنرانی می‌کرد و از ثروتمندان می‌خواست تا با اموال خود به ساخت مدارس و مساجد اقدام کنند تا از این طریق فقرا نیز امکان سوادآموزی داشته باشند. ندیم، عربی پاشا و محمود سامی البارودی در ارتباط با یکدیگر علیه بیگانگان قیام می‌کردند و خواستار اخراج بیگانگان از مصر بودند. جنگ بین نیروهای عربی و انگلیسی‌ها در گرفت و با اینکه در آغاز پیروزی از آن‌ها عربی و یارانش بود، ولی در آخر شکست را تجربه کردند. ندیم پس از شکست، ۹ سال خود را مخفی کرد. اما سرانجام انگلیسی‌ها او را دستگیر و به شام تبعید کردند.

۴-۱. مرحله اول: مرحله دریافت

در مرحله دریافت، ابتدا ساختار اثر ادبی و سپس انسجام درونی آن ارزیابی می‌شود. بدین ترتیب و با توجه به نظریه گلدمن در این بخش، ساختار معنادار اثر ادبی، آگاهی ممکن و قهرمان پروبولماتیک بررسی می‌شود.

۴-۱-۱. ساختار معنادار

از جمله مفاهیم اساسی در روش ساختگرایی تکوینی، ساختار معنادار می‌باشد که «علاوه بر اینکه بر وحدت اجزا در یک اثر تأکید می‌کند و میان اجزا و کلیت یک اثر، رابطه‌ای متقابل را نشان می‌دهد؛ به معنای ساختار درونی اثر در نحوه بازتاباندن جهان بینی مستتر در آن نیز هست» (عسگری حسنگلو، ۱۳۸۶: ۵۷). از جمله اجزای تشکیل دهنده ساختار معنادار هر اثر ادبی، درونمایه آن اثر می‌باشد. «درونمایه داستان همانند خط یا رشته‌ای در تمام طول داستان حضور دارد و سراسر اجزای داستان را در برمی‌گیرد و باعث پیوند و انسجام اجزای ساختاری آن می‌شود» (ر. ک: پراین، ۱۳۸۷: ۵۹). از سوی دیگر درونمایه رمان سبب کشف ارتباط بین ساختار ادبی و ساختار اجتماعی آن می‌گردد؛ زیرا «کشف درونمایه یا معانی یک اثر مستلزم ایجاد ارتباط بین اثر و جهان بیرون آن است» (اسکولز، ۱۳۸۳: ۲۸).

ابوالمعالی با نگارش رمان خویش تصویری گویا از جامعه نابسامان مصر که گرفتار استبداد و استعمار شده، ارائه داده است. فساد سیاسی، ظلم اجتماعی، فاصله طبقاتی، فقر اقتصادی و فرهنگی از جمله مواردی است که وی درونمایه رمان خویش را به وسیله آن غنی ساخته است. ایشان از مسأله تمرکز سرمایه در دست عده‌ای از مردم و فقر مطلق گروهی دیگر مانند کشاورزان زحمت‌کش سخن به میان می‌آورد، «إِنَّ الْفَقِيرَ يَزْرَعُ فِي أَرْضِ الْغَنِيِّ أَوْ يَبِيعُ فِي دُكَّانِهِ أَوْ يَسْوُسُ حَيْلَهُ، إِنَّهُ مُتَعَلِّقٌ بِهِ...»^۱ (ابوالنجا، ۱۵۶: ۲۰۰۸ و ۱۵۷).

درونمایه داستان ریشه در شناخت و جهان‌بینی نویسنده دارد؛ چرا که «درونمایه داستان که گاه از آن به فکر اصلی یا مضمون و یا پیام داستان تعبیر می‌شود، بیانگر دیدگاه و جهت‌گیری نویسنده نسبت به موضوع داستان است» (مستور، ۱۳۷۹: ۳۰). بنابراین ساختار معنادار با جهان‌بینی نویسنده نیز در ارتباط است. از دیدگاه گلدمن «جهان‌بینی نویسنده پدیده‌ای فردی نیست، بلکه پدیده‌ای اجتماعی و بیانگر آگاهی یک گروه اجتماعی یا آگاهی جمعی است و به عنوان نوعی گرایش به صورت واقعیتهای بالقوه در افراد وجود دارد» (گلدمن، ۱۳۷۷: ۷۰). بدین‌گونه ابوالنجا در عصر خویش به عنوان نماینده قشر روشنفکر مصری، عنصر اصلی آفرینش اثر ادبی شده است. وی تمامی مسائل و مشکلات جامعه مصر را از نزدیک شاهد بوده است و آنها را اساس و شالوده اصلی رمان خویش قرار داده است. به گونه‌ای که به نگارش رمانی واقع‌گرا پرداخته است که در نتیجه شناخت وی از پیامدهای حضور بیگانگان در مصر و درک او از سرمایه‌داری و تبعیض بین مردم بوده است.

۴-۱-۲. شخصیت‌ها و آگاهی ممکن

ساختار داستان بر اساس عنصر شخصیت بنا می‌شود که از عناصر مهم رمان و بیانگر باورها و جهان‌نگری نویسنده است. «شخصیت در داستان همان بینش و جهان‌بینی نویسنده است که در قالب شخصی تقلید شده از جامعه عینیت می‌یابد و محل بروز حالات، تجربیات و شناخت نویسنده از جامعه خود است» (بیک بابای، ۱۳۹۶: ۳۵۸). جهان‌بینی نویسنده برگرفته از اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه است. از طرفی فرآیندهای اجتماعی نیز زمینه‌ساز پرورش آگاهی جمعی می‌باشد؛ به عبارت دیگر اندیشه‌های یک گروه اجتماعی بستر پیدایش جهان‌بینی نویسنده می‌شود و این امر زمینه را برای ظهور فاعل فرافردی آماده می‌کند.

ابوالمعاطی با خلق شخصیت‌های داستان به مفاهیمی اشاره می‌کند که نمودهایی از دزدگی اجتماعی طبقه پایین جامعه را ترسیم می‌کند؛ مردمی که ذهنشان به این

وضعیت عادت کرده و باعث بی تفاوتی نسبت به محیط پیرامون و جامعه شده است. رئالیسمی که در رمان ابوالمعاطی حضور دارد، بر شخصیت‌های داستان نیز اثر می‌گذارد؛ به گونه‌ای که نام شخصیت‌ها واقعی و برگرفته از دوره تاریخی ۱۸۵۹ تا ۱۸۷۷ می‌باشد. وی شخصیت‌های رمان خود را بر اساس درونمایه داستان و جهان‌بینی طبقه‌ی اجتماعی که وابسته به آن است، انتخاب کرده و دو نوع شخصیت اصلی و فرعی را در رمان خویش به کار برده است. عبدالله ندیم به عنوان شخصیت اصلی معرفی شده است که همه‌ی حوادث و شخصیت‌های رمان در ارتباط با این شخصیت شکل گرفته‌اند. وی مانند یک آگاهی کوچک است که تشکیل می‌شود و این آگاهی همان چیزی است که انقلاب عربی پاشا را به ثمر می‌نشانند. نویسنده از طریق بازآفرینی شخصیت ندیم به عنوان قهرمان حقیقی، آگاهی جمعی را به سمت پیشینه آگاهی ممکن سوق می‌دهد. در طول سالیان طولانی عبدالله ندیم در مقابل خود راهی را می‌دید که به تشکیل آگاهی او در مورد خودش و دیگران و جامعه فقیر و درمانده و همچنین به رشد شخصیتش کمک می‌کرد. آشکارا دیده می‌شود که حضور ندیم سبب رشد فکر و تنوع زندگی مردم شده است. «فَهُمُ النَّدِيمُ مِنْ تَلْقَاءِ نَفْسِهِ أَنْ الْقَصْرَ لَنْ يَغْضَبَ مِنْ رِوَايَةِ تَصَوُّرِ الظُّلْمِ الْوَاقِعِ عَلَى الشَّعْبِ مَادَامَتْ تَضَعُ فِي الْخَدْيِو أَمْلَهَا فِي رَفْعِ الظُّلْمِ.. وَ الْوَطْنَ يُوَاصِلُ نِدَاءَهُ وَ يَتَبَلَّوُزُ الْحَلْمُ حُلْمَ الْخَلَاصِ لَهُ وَ لِلنَّاسِ»^۲ (أبوالنجا، ۲۰۰۸: ۱۳۴ و ۱۳۵).

بقیه شخصیت‌های رمان ابوالمعاطی، فرعی هستند که در حوادث گوناگون نقش محرک دارند. می‌توان گفت در این داستان شخصیت‌ها به ترسیم واقعیت‌های اجتماعی و مشکلاتی که جامعه با آن روبه‌رو است می‌پردازند. در این رمان زنان حضور چندانی ندارند و در نقش مادر و یا معشوقه هستند، به گونه‌ای که صرفاً در منزل حضور دارند و کارهای منزل را به دوش می‌کشند. اینان زنانی هستند که در سایه‌ی مردان زندگی می‌کنند و هرگز جدی گرفته نمی‌شوند.

۴-۱-۳. قهرمان پروبلماتیک

قهرمان پروبلماتیک ساختاری یکپارچه و هماهنگ است که به عنوان نظام درونی اثر ادبی سبب ایجاد انسجام بین پرسش‌ها و پاسخ‌های بیان شده در بافت داستان می‌شود. «پروبلماتیک به عنوان عامل وحدت بخش نظام واحدی از تفکر، امکان طرح پرسش‌هایی خاص را در آن نظام فراهم می‌کند. موضوع مورد بررسی تنها در درون پروبلماتیک آن نظام خاص است که معنا دارد و قابل رؤیت است. از طریق پروبلماتیک است که موضوعات و اهداف در یک حوزه خاص جای می‌گیرند و در بستری ساختار یافته رؤیت‌پذیر می‌شوند» (Althusser, 1971: 25). بنابراین وجود قهرمان پروبلماتیک یکی از مؤلفه‌های ساختار معنادار رمان به شمار می‌رود و «ناپدید شدن آن سبب کنار گذاشته شدن ساختار حقیقی رمانی می‌شود» (گلدمن، ۱۳۷۱: ۱۷۶). گلدمن این قهرمان را شخصیتی می‌داند که «زندگی و ارزش‌هایش، او را در برابر مسائل حل‌نشده نمی‌تواند آگاهی روشن و دقیقی از آنها به دست آورد، قرار می‌دهد» (همان: ۲۶۰).

در رمان ابوالمعاطی، عبدالله ندیم به عنوان قهرمان پروبلماتیک، انسانی است شجاع و با جرأت که از شرایط ناراضی است و بی آن‌که به منافع شخصی خود بیندیشد، از طریق بیرون راندن بیگانگان و استقلال مصر سعی در ایجاد تغییر و تحول جامعه دارد. «من أنت یا ندیم؟ ماذا كنت وما الذی تریده؟...عاشقٌ للناس ... لیس یرضی بأقل من کل الناس...ماذا یفعل الآن وقد اختصرت حُشودُهُ العظيمة...»^۳ (أبولنجا، ۲۰۰۸: ۴۲۳). وی خانواده خویش را رها می‌کند و به دنبال اهداف انقلابی می‌رود؛ به گونه‌ای که در پایان داستان تمامی فرزندان خود را از دست می‌دهد ولی دست از هدف خود بر نمی‌دارد. از آنجا که «آگاهی جمعی یا گروهی، واکنشی به وضعیت خاص اقتصادی و اجتماعی می‌باشد» (Sutardi, 2013)، بدین ترتیب این قهرمان تلاش می‌کند با آگاه کردن مردم سرزمینش، آنان را با اهداف خود همگام و

هماهنگ سازد. وی نماینده نسلی بود که آتش انقلاب را روشن می‌کرد و مصر را به راه آزادی و نجات از ظلم بیگانگان و حاکمان ستمگر سوق می‌داد. بر اساس نظریه گلدمن سرانجام قهرمان پروبلماتیک که به دنبال ارزش‌های واقعی است به شکست محکوم می‌شود؛ آن چنان که عبدالله ندیم بعد از شکست نیروهای عراقی، توسط انگلیسی‌ها دستگیر و به شام تبعید می‌شود.

۴-۲. مرحله تشریح

از آنجا که شالوده اساسی نظریه گلدمن، بررسی ساختارگرایانه می‌باشد و تبیین نقش زیرساخت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در شکل‌گیری یک اثر ادبی قابل توجه است. بدین ترتیب در مرحله تشریح، اثر ادبی در ساختار گسترده‌تر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بررسی می‌شود. زیرا «هر گروه اجتماعی، آگاهی و ساختارهای ذهنی خود را در پیوند نزدیک با عمل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خویش در درون جامعه می‌پرورد» (گلدمن، ۱۳۷۷: ۷۰).

۴-۲-۱. زیر ساخت تاریخی

در رمان «العودة إلى المنفى» بعد تاریخی و سیاسی جلوه چشم‌گیری دارد، و نویسنده در این اثر تاریخ را بسیار واضح ترسیم کرده است. این رمان از حیث تاریخی شرح مفصلی از وقایع انقلاب احمد عراقی در مصر در سال ۱۸۸۲ م است. ابوالمعاتی در این رمان بر آن است تا تصویری گویا از تاریخ مصر در سال‌های قبل و بعد از انقلاب مصر را نشان دهد. قهرمان داستان، عبدالله ندیم، از جمله روشنفکران و فعالان سیاسی بود که نقش بارزی در مبارزات مردم مصر جهت رهایی از استبداد و استعمار در نیمه دوم قرن نوزدهم ایفا کرد (ر. ک: أمین، ۲۰۱۲: ۵۱). ندیم به پشتیبانی و حمایت توده مردم و با انتشار نوشته‌های آتشین خود، با شهامت و شجاعتی بی نظیر در مقابل غرزدگی و تهاجم فرهنگ غرب، قد علم کرد. وی با آغاز قیام احمد عراقی پاشا به این قیام پیوست و خود را به عنوان خطیب ضد استعماری مطرح ساخت.

مهم‌ترین ویژگی اندیشه‌های عبدالله ندیم دفاع از هویت ملی و تلاش جهت برقراری یک انقلاب علمی و فرهنگی، در مصر به منظور خروج از عقب‌ماندگی بود. ابوالمعالی در مقدمه کتاب خود نوشته است که دلیل انتخاب عبدالله ندیم به عنوان قهرمان این داستان به مطالعات وی در مورد ندیم و همچنین کتاب‌هایی که نویسندگان بزرگی چون احمد امین و احمد بهاء‌الدین در مورد وی نوشته‌اند، باز می‌گردد (ر.ک: ابوالنجا، ۲۰۰۸: ۸ و ۹). از این لحاظ می‌توان گفت ابوالمعالی با نگاه تیزبین خود سعی کرده است بسیاری از حقایق تاریخی که در دوران زندگی ندیم رخ داده است را به تصویر بکشد.

نویسنده مواعی را که بر سر راه تغییر ساختار سیاسی جامعه وجود دارد نشان می‌دهد. در واقع خدیوی که قصد حفظ سلطنت خود را دارد، با کمک زبردستان و بیگانگان به‌ویژه انگلیسی‌ها کارشکنی می‌کنند و جلوی تغییرات را می‌گیرند. «...کان من الضَّروري أن يُحاكمه الخديو بمثل هذه التُّهمة... فَإِنَّه لم يَتَجَنَّب الفضيحة وحدها، بل كَسَبَ عِطْفَ الأَجانبِ أيضاً»^۴ (نفس المصدر، ۲۰۰۸: ۷۱).

۴-۲-۲. زیر ساخت سیاسی

از لحاظ سیاسی نویسنده گرایش‌های فکری و ایده‌های سیاسی را بیان کرده است. عرابی تصمیم به کمک کردن به مظلومان را دارد و می‌خواهد حق آن‌ها را بگیرد. ندیم نیز به عنوان خطیب انقلابی از عرابی حمایت می‌کند. محمود سامی البارودی، شیخ جمال الدین افغانی، محمود و اصف، محمد امین و... در جبهه‌ی آنان هستند. تعداد انقلابی‌ها کم است و کسانی که در سپاه آن‌ها هستند، اعتماد به نفس پایینی دارند و امیدی به پیروزی ندارند. هدف آنان بیرون راندن انگلیسی‌ها از مصر است، اما انگلیسی‌ها در مصر ریشه دوانده‌اند و به این سادگی کشور را ترک نخواهند کرد؛ زیرا منافع زیادی در آنجا دارند و حاضر نیستند منافع خود را از دست دهند.

اختناق سیاسی شدیدی بر جامعه حکم فرماست، مردم به یکدیگر اعتماد ندارند؛ زیرا عده‌ای در بین مردم، جاسوس هستند و کسی جرأت شکوه و گلایه از وضعیت موجود را ندارد «هل يظنّهم يجهلونّ أنه بصاصّ "جاسوس" ملعونُ أرسلته الحكومة؟... ولم يجرؤ أحدّهم على أن يواجهه بشئ من ذلك، كانوا يخافونه، وكانوا يستمعون له ويغمغمون...»^۵ (نفس المصدر، ۲۰۰۸: ۸۷).

نویسنده با نگاهی انتقادی به انحرافات که در انقلاب و اعضای آن بروز کرده اشاره می‌کند، انحرافات که انقلاب را از اهداف و آرمان‌هایش دور کرده و زمینه‌ساز شکست شده است. افراد زیادی در سپاه عراقی، خائن و جاسوس بودند و نقشه آن‌ها را در اختیار دشمن قرار می‌دادند. نویسنده این عامل را یکی از اساسی‌ترین دلایل شکست این انقلاب می‌داند.

بیگانگان دست به سوی اموال مصر دراز کرده بودند و به هر بهانه‌ای سعی در جذب اموال مصر داشتند، خدیوی و یارانش نیز این فرصت را برای آن‌ها فراهم می‌کردند. «باعت حكومة الخديوي أسهم مصر في قناة السويس إلى إنجلترا سنة ۱۸۷۵»^۶ (نفس المصدر، ۲۰۰۸: ۹۲).

ندیم استعمار را مورد انتقاد قرار می‌داد و در یکی از مقالات خود نوشت: «زمانی که اروپایی‌ها در کشورهای خود به اهدافشان دست یافته بودند، با الهام از نگرش‌های دوگانه دین و سلطنت به پیش رفتند، آن‌ها در کشورهای شرق رخنه کردند و به عنوان سلطه‌گران مطبوعات، شرقی‌ها را فریب دادند» (انور، ۱۳۸۱: ۱۶۴ و ۱۶۵).

نویسنده به نفوذ دولت‌های بیگانه در زمان خدیوی اسماعیل اشاره کرده است و ناتوانی و بی‌کفایتی خدیوی در اداره امور حکومت را به تصویر کشیده است. بدهی‌های خدیوی به کشورهای بیگانه، روز به روز وضعیت کشور را بدتر از پیش می‌کرد و او نه تنها بدهی‌ها را نمی‌توانست بپردازد، بلکه در قبال بدهی و سودهای سنگین آن طی قراردادهایی، رسماً کشور را به تصرف بیگانگان در آورد و سرزمین مصر را آگاهانه

تقدیم آنان کرد. بنابراین ورود بیگانگان به مصر آنقدر زیاد شد که فرهنگ و زبان بیگانه جای خود را به فرهنگ و زبان مصری داد. مصری‌ها گویی که در کشور بیگانه باشند، احساس ناخوشایندی داشتند و اما بیگانگان به راحتی در آنجا رفت و آمد و زندگی می‌کردند» «و حینَ تصلُ إلى الاسكندرية سوف تجدُ قائدَ الميناء بحاراً انجليزياً، فإذا ما وصلتَ حقائبك إلى الجُمرک فستجدُ مُديره انجليزياً... فإذا ما ذهبتَ إلى الرّيف فسوف تجدُ كثيراً من الأهل والأصدقاء قد ضاعت أموالهم وأرضهم وذهبت إلى أيدي المُرابين الإنجليز والایطاليين واليونان...»^۶ (أبولنجا، ۲۰۰۸: ۳۴۳).

۴-۲-۳. زیر ساخت اجتماعی

ندیم پس از سه سال اقامت در طنطا، به زادگاهش اسکندریه بازگشت. وی مشاهده کرد که تغییرات اجتماعی فراوانی در اسکندریه به وجود آمده است. در محافل ادبی از اوضاع و احوال کشور و مشکلاتی که وام‌های خارجی برای کشور پدید آورده و در مورد دخالت بیگانگان در امور داخلی سخن گفته می‌شد. بنابراین انجمنی مخفی به نام "مصر الفتاة" تشکیل دادند که اعضای آن از مسائل سیاسی کشور با شور و شوق انتقاد می‌کردند. «حینَ برزت الجمعيةُ هذه و حینَ كان الحديدُ عن الحرية و الدستور و البرلمان یطغی علی كافة الأحادیث، كان صوتُ ندیم یتحوّل إلى صُراخ...»^۷ (أبولنجا، ۲۰۰۸: ۱۰۹). به علت سزای بودن این انجمن که احتمال می‌رفت توسط حکومت کشف و منحل شود، ندیم دوستان خود را قانع ساخت که به فکر تأسیس یک سازمان علنی باشند و به صورت قانونی به مصر خدمت کنند. وی همچنین «در برابر کسانی که خواستار نابودی زبان عربی بودند، به شدت از این زبان دفاع کرد. بنابراین اولین شخصی بود که خواستار تأسیس فرهنگستان زبان عربی شد» (توفیق، ۱۹۷۰: ۱۳۵).

نویسنده به زوال و انحطاط اخلاقی در جامعه مصر نیز اشاره کرده است. زیاده‌روی بی‌سابقه در می‌گساری، کاسبی فراوان و پرسود مسیحیان از این طریق و گرایش زنان

به بی بند و باری از جمله ناهنجاری‌های اجتماعی آن دوره به شمار می‌رفت. واژه آزادی بهانه‌ای شده بود برای فرو رفتن در لذت و شهوت. از همه شگفت‌آورتر این بود که مردم مصر در گفتار و کردار خود از غربی‌ها تقلید می‌کردند. «هكذا تَفَعَلُ فرنسا الجمهورية، فرنسا التي كانت أرض الثوار والأحرار، و تُريدُ أن تُحرمني من الشراب أيها القسُ المسلم، الشراب الذي يمنح الحرية لجميع البشر دون تفرقة»^۹ (أبولنجا، ۲۰۰۸: ۱۱۲).

ندیم انگلیسی‌ها و نخبگان مصر را مسئول درد و رنج ملت و انحطاط اخلاق می‌دانست. وی در آن هنگام خواستار قیام مسلحانه فوری نبود؛ زیرا اعتقاد داشت مردم آمادگی آن را ندارند. وی معتقد بود تا زمانی که ملت زیر سیطره جهل و نادانی به سر می‌برد، نمی‌تواند به هیچ چیز برسد. در این حالت نشر دانش و پیشرفت اقتصاد ضروری خواهد بود. از نظر ندیم «اگر مردم به دانش مجهز نشوند و به ایجاد طرح‌های صنعتی نپردازند و اگر چگونگی به‌کارگیری تکنیک را نیاموزند، قیام به پیروزی نخواهد رسید» (لوین، ۱۳۷۸: ۱۶۸).

ندیم به همراه شیخ جمال الدین افغانی می‌خواهد با شیوه‌های مسالمت‌آمیز و با ایجاد مدارس و مساجد و همچنین با انتشار روزنامه و مجلات و انجمن‌های سری و علنی به مردم آگاهی ببخشد و چهره واقعی دیکتاتورهایی که به بیگانگان باج می‌دهند و بر مردم کشور خود حکمرانی می‌کنند را به همگان معرفی کند. بدین ترتیب خواهان قطع دست تجاوز بیگانگان از مصر و اصلاح اوضاع جامعه است. هنگامی که از وی در مورد اسباب پیشرفت سؤال می‌شد از دو چیز نام می‌برد؛ علم و آزادی. «تابع ندیم: يَجْمَعُ الشَّعْبُ قِوَاهِ الْمُبِعَثَةِ، يَجْمَعُ قُرُوشَهُ الْقَلِيلَةَ لِيَتَعَلَّمَ، لِيُبْنِيَ الْمَصْنَعِ وَ حِينَ يَجِدُ قُوَّتَهُ، يَجِدُ حَرِيَّتَهُ»^{۱۰} (أبولنجا، ۲۰۰۸: ۲۰۰). می‌توان گفت که آگاهی جمعی در این داستان به چشم می‌خورد و مردم از وضعیت نابسامان کشور خود و ظلم و ستم‌هایی که بر آن‌ها می‌رود آگاهی دارند، اگرچه به علت خفقان سیاسی شدیدی که

وجود دارد، مردم جرأت هیچ‌گونه اعتراضی ندارند ولی با اقداماتی که ندیم و سایر دوستانش انجام می‌دهند، مردم جسارت پیدا می‌کنند که از حق خود دفاع کنند، علیه بیگانگان دست به عمل می‌زنند و خواهان اخراج آن‌ها از کشور می‌باشند. بنابراین در اینجاست که آگاهی از حالت آگاهی فعلی به آگاهی ممکن رسیده است، تا جایی که می‌بینیم ندیم و هم‌دستانش دست به انقلاب می‌زنند.

۴-۲-۴. زیر ساخت اقتصادی

ابوالمعاطی در رمان خویش به مطرح کردن نظام طبقاتی حاکم می‌پردازد و از شکل‌گیری فضای نابرابری خبر می‌دهد و به این نتیجه می‌رسد که فشارهای طبقاتی می‌تواند بر ذهن و روان تأثیر گذاشته و روابط افراد را تحت الشعاع قرار دهد. به باور نویسنده سرمایه‌داران از نظر تعداد اندک هستند و سرمایه در دست آنان است، ولی مردم زحمت‌کش و به عبارتی رعیت اکثریت را تشکیل می‌دهند. بنابراین در یک سمت طبقات پایین با شرایط اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی خاص خودشان و در سمت دیگر طبقات بالا با شرایط ویژه خودشان (دیالکتیک دار و ندار) هستند. «الفقیه یعمل حساب الغنی و الغنی یعمل حساب الحكومة...»^{۱۱} (نفس المصدر، ۲۰۰۸: ۱۵۸). طبقات پایین همیشه زیردست و رعیت و طبقات بالا ارباب و سرور بوده و رعیت‌ها از ارباب‌ها اطاعت کرده‌اند. به نظر می‌رسد نویسنده خود از طبقه پایین جامعه بوده و مشکلات و سختی‌های آن‌ها را به خوبی درک کرده است؛ به همین قهرمان داستان را از طبقه پایین انتخاب کرده تا سختی‌ها و مشکلات آن‌ها را به خوبی بیان کند.

ابوالمعاطی در سراسر داستان گریزهایی به مشکلات طبقه پایین جامعه می‌زند، و از احساس سرخوردگی ناشی از ندار بودن در مقابل دارا بودن سخن می‌گوید. «فقر محصول ساختار قدرت و نظام اجتماعی است؛ قدرت سیاسی نقش مهمی را در توزیع ثروت و درآمد در جامعه دارد و کسانی که از نظر اقتصادی در حاشیه قرار گرفته‌اند

تمایل دارند که از نظر اجتماعی هم حاشیه‌نشین شوند؛ بنابراین از منابع قدرت نیز محروم هستند» (راغفر، ۱۳۸۴: ۲۵۵). نویسنده به ویژه وضعیت کشاورزانی را به تصویر می‌کشد که زحمت بسیار می‌کشیدند و چون خود صاحب زمین نبوده‌اند، فقط به اندازه‌ای که بتوانند شکم خود و خانواده‌شان را سیر کنند، از محصول بدست آمده استفاده می‌کرده‌اند و تمامی محصول از آن زمیندارانی بود که هیچ‌گونه زحمتی نمی‌کشیدند و بهره‌ اصلی را می‌بردند. «يَزْرَعُ أَكْثَرُهُمْ فِي أَرْضِ الْعُمَدَةِ الَّتِي تَبْلُغُ أَلْفَ فِدَانٍ وَيَمْتَلِكُ بَعْضُهُمْ عِدَّةً قَلِيلاً مِنَ الْأَفْدِينَةِ يَزْرَعُونَهَا بِأَنْفُسِهِمْ، بَيْنَمَا يَعْمَلُ بَقِيَّةُ أَهْلِ الْقَرْيَةِ كَأَجْرَاءَ يَوْمًا بِيَوْمٍ...»^{۱۲} (أبوالنجا، ۲۰۰۸: ۸۳).

بر این اساس «جامعه مصر از دو طبقه تشکیل می‌شد، طبقه بالا یا طبقه حاکمان و افراد مرتبط به آنان، که اقلیت را تشکیل می‌دادند و طبقه پایین که شامل دهقانان و خرده‌مالکان و صاحبان مشاغل پست می‌شد و اغلب جامعه مصر را در بر می‌گرفت. ندیم از این طبقه دفاع می‌کرد و اعتقاد داشت که آن‌ها به عنوان صاحبان اصلی فضل و نعمت، اقلیت را تشکیل می‌دهند. «وی همیشه خواستار این بود که زحمت‌کشان جامعه مورد تقدیر و احترام قرار گیرند و همواره از خانواده حاکم، واسطه‌ها و دلالان انتقاد می‌کرد» (الحدیدی، ۱۹۸۷: ۳۳۴).

یکی از اهداف اصلی نویسنده انتقاد از برنامه اصلاحات ارضی و پیامدهای منفی آن بوده است. نظام ارباب-رعیتی که همه حق را به ارباب می‌دهد و رعیت هیچ حقی ندارد، بلکه باید کار بسیار انجام دهد و سود کم ببرد. سرکرده‌ها و رؤسای نظام و ارباب‌ها که به نام مردم بر سر کار هستند، افرادی خشن، زورگو، بسیار مستبد و بی‌ملاحظه‌اند و برای مردم فقیر ارزشی قائل نیستند. بدین ترتیب در این رمان بحران‌های نظام ارباب-رعیتی به شکل بحران‌های معیشتی و اقتصادی بیان شده است.

۵- نتیجه گیری

بر اساس نظریه گلدمن، ساختار معنادار در سطح دریافت و ساختار جامعه مصر در زمان ابوالمعاطی نویسنده رمان، در سطح تشریح مورد بررسی قرار گرفت. از آنجا که لازمه رسیدن به مرحله دریافت، دستیابی به ساختار معنادار است، بدین ترتیب ساختار و عناصر اثر ادبی از جمله درونمایه، جهان بینی، قهرمان پروبلماتیک و آگاهی ممکن و نیز ارتباط و پیوند بین آنان تبیین گردید. فساد سیاسی، فاصله طبقاتی، ظلم اجتماعی و فقر اقتصادی اساسی‌ترین درونمایه‌های رمان «العودة إلى المنفى» می‌باشد که در ساختار جامعه زمان ابوالمعاطی نیز نمایان شده است. جهان بینی نویسنده نیز از طریق بازنمود اندیشه‌های وی که نماینده قشر متوسط جامعه است، محقق شده است. بر این اساس ابوالنجا بیانگر آگاهی جمعی است که در فضای رمان در قالب قهرمان پروبلماتیک و به صورت شخصیت «عبدالله ندیم» نمود یافته است؛ آن‌گونه که آگاهی ندیم از مشکلات و شرایط جامعه و فاصله طبقاتی بین دو طبقه فقیر و غنی (دارا و ندار) به صورت ثابت و ایستا نیست و این امر مردم جامعه را که تا قبل از آن از پادشاه پیروی می‌کردند، به عمل وا داشته است و جهان بینی آنها را نسبت به پادشاه و مسائل جامعه تغییر می‌دهد؛ اما سبب تغییر ساختار جامعه نمی‌شود.

در سطح تشریح، ساختار معنادار در ساختار گسترده‌تر تاریخی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تبیین شد. بر این اساس درونمایه‌هایی مانند اعتراضات مردمی، نارضایتی‌ها و اشغال نیروهای انگلیس، مشکلات اجتماعی و اقتصادی کشف و جهان بینی نویسنده در برابر ساختار اجتماعی عصر خویش، نسبت به فقر ناشی از ظلم و جور نظام حاکم، مبارزات طبقه کارگر برای احقاق حقوق از دست رفته خود، اختلاف طبقاتی، اختلاف فکری و فرهنگی آشکار گردید و از طریق عبدالله ندیم به عنوان شخصیت محوری و قهرمان پروبلماتیک طبقه اجتماعی خاص و رسیدن به پیشینه آگاهی محقق گردید. بنابراین درک و توصیف عناصر سازنده رمان به عنوان کلیت اثر ادبی و رابطه آن با ساختار جامعه، پاسخی معنادار در برابر مسائل جامعه می‌باشد.

پی نوشت

۱. بینویان در سرزمین‌های ثروتمندان به کشاورزی سرگرم و با فروشندگانی در مغازه‌های ایشان و یا جاسوسان آنان هستند؛ به طور کلی مزدورانشان به شمار می‌روند.
۲. ندیم ناخود آگاه متوجه شد تا زمانی که از بین رفتن ظلم و ستم به عهده پادشاه باشد، خدیو از اجرای آن بر ملت خشمگین نمی‌شود. و میهن که آرمان آن و مردم، آرمان رهایی است، ندای خویش را ادامه می‌دهد.
۳. ندیم! تو کیستی؟ چه بودی و چه می‌خواهی؟ شیفته و هوادار مردم که به کمتر از توده آنان خشنود نمی‌گردد... اکنون چه انجام می‌دهی و حال آن که به گروه باشکوه وی بسنده شده است.
۴. خدیو گرچه به سبب این تهمت، وی (مزدور سیاسی) را محاکمه نکرد؛ که رضایت بیگانگان را نیز جلب نمود.
۵. آیا گمان می‌کند که مردم نمی‌دانند که او جاسوس و مزدور حکومت و مورد نفرین مردم است؛ و کسی را یارای مقابله با ایشان نیست. از وی می‌ترسند و با سخنان نامفهوم (زیرلب و از سر ناخشنودی) به وی گوش می‌سپردند.
۶. حکومت خدیوی در سال ۱۸۷۵م. سهام مصر در کانال سوئز را به انگلیسی‌ها فروخت.
۷. آن هنگام که به اسکندریه می‌رسی، در می‌یابی که سگاندار بندر، دریابانی انگلیسی است؛ مدیر گمرک نیز انگلیسی است؛ همچنین در روستا، بسیاری از اهالی و دوستان را می‌بینی که دارایی و سرزمین‌هایشان به وسیله رباخواران انگلیسی، ایتالیایی و یونانی به یغما رفته است.
۸. آن زمان که این انجمن تأسیس شد و سخن از آزادی، قانون و قانونگذاری بر محافل سایه افکند، فریاد آزادی خواهی ندیم نمایان‌تر گشت.
۹. فرانسه، سرزمین مبارزان انقلابی و آزادگان، این‌گونه عمل می‌کند؛ و تو ای کشیش مسلمان، مرا از شراب محروم می‌سازی؛ شرابی که آزادی را به بشریت هدیه می‌دهد، بی‌آن که بین آنان تفرقه و جدایی اندازد.
۱۰. ندیم ادامه داد: ملت تمام توان از دست رفته و پول‌های اندک خویش را جهت علم آموزی و ساختن کارخانه جمع می‌کند و آن هنگام که نیرو و توانش را بیابد، آزادی وی محقق می‌گردد.
۱۱. فقیر جهت منافع ثروتمند و ثروتمند برای حکومت کار می‌کند.
۱۲. بیشتر آنان در سرزمین‌های «عمده» که بیش از هزار هکتار است کار می‌کنند و برخی تنها دارایی‌شان، قسمتی اندک از زمین کشاورزی است؛ دیگر اهالی روستا نیز بسان مزدورانی روز مزد به شمار می‌روند.

منابع

فارسی:

- اسکولز، رابرت (۱۳۸۳)، **عناصر داستان**، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: مرکز.
- بیک بابای، بهروز (۱۳۹۶)، «تحلیل شخصیت (شخصیت پردازی دو داستان کوتاه دیه اثر عمر سیف الدین)»، **پژوهش ادبیات معاصر جهان**، دوره ۲۲، شماره ۲، صص ۳۵۳-۳۶۴.
- بیلینگتون، روزاموند (۱۳۸۰)، **فرهنگ و جامعه، جامعه‌شناسی فرهنگ**، ترجمه فریبا تهران: قطره.
- پاسکادی، یون (۱۳۷۶)، **ساختگرایی تکوینی و لوسین گلدمن**، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: چشمه.
- پراین، لارنس (۱۳۸۷)، **تأملی دیگر در باب داستان**، ترجمه محسن سلیمانی، تهران: سوره مهر.
- پوینده، محمدجعفر (۱۳۷۸)، **... تا دام آخر: گزیده گفتگوها و مقاله‌ها**، تهران: چشمه.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۴)، **آشنایی با نقد ادبی**، تهران: سخن.
- زیما، پیرو (۱۳۷۷) **جامعه‌شناسی رمان از دیدگاه یان وات، لوکاج، ماشری، گلدمن، و باختین، درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات**، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: نقش جهان.
- راغفر، حسین (۱۳۸۴ش)، «فقر و ساختار قدرت در ایران»، **فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی**، سال چهارم، ش ۱۷، صص ۲۴۹-۲۸۸.
- شهبازی، آرزو؛ حسینی، مریم؛ عسگری حسنکلو، عسگر (۱۳۹۳)؛ **نقد ساختگرایی تکوینی رمان همسایه‌ها اثر احمد محمود، مطالعات داستانی**، شماره ۳، صص ۶۵-۹۱.
- طلوعی، وحید؛ رضایی، محمد (۱۳۸۶)؛ «ضرورت کاربست ساختارگرایی تکوینی در جامعه‌شناسی ادبیات»، **مجله جامعه‌شناسی ایران**، ش ۳، صص ۱-۲۳.
- عبداللهی، حسن؛ ایزانلو، امید (۱۳۹۱)؛ «تحلیل جامعه‌شناختی رمان «زقاق المدق» از نجیب محفوظ»، **پژوهشنامه نقد ادب عربی**، شماره ۴، صص ۱۰۵-۱۲۶.
- عبدی، صلاح الدین (۱۳۹۱)؛ «رویکردی جامعه‌شناختی بر آثار طاهر وطار، مطالعه مورد پژوهانه: رمان «الزلزال» بر اساس الگوی لوسین گلدمن»، **فصلنامه لسان مبین**، سال سوم، شماره ۷، صص ۲۰۶-۲۳۶.
- عسگری حسنکلو، عسگر (۱۳۸۹)؛ **نقد اجتماعی رمان معاصر فارسی**، تهران: فروزان.

- _____ (۱۳۸۶): «سیر نظریه‌های نقد جامعه‌شناختی ادبیات»، **مجله ادب پژوهی**، شماره ۴، صص ۴۳-۶۴.
- گلدمن، لوسین (۱۳۷۱ش): **جامعه‌شناسی ادبیات**، ترجمه: محمد جعفر پوینده. تهران: انتشارات هوش و ابتکار.
- _____ (۱۳۷۶): **جامعه، فرهنگ و ادبیات**، ترجمه: محمد جعفر پوینده، تهران: چشمه.
- گنجیان، علی؛ جمشیدیان، رضوان (۱۳۹۴): «نقد جامعه‌شناختی رمان «أوراق عصام عبدالعاطی» در مجموعه «نیران صدیقه» از علاء أسوانی»، **نقد ادب معاصر عربی**، سال پنجم، صص ۵۱-۷۳.
- لوین، ز. ا. (۱۳۷۸ش). **اندیشه‌ها و جنبش‌های نوین سیاسی اجتماعی در جهان عرب**، ترجمه: یوسف عزیزی بنی طرف، تهران: علمی و فرهنگی.
- مستور، مصطفی (۱۳۷۹)، **مبانی داستان کوتاه**، تهران: مرکز.
- مصباحی‌پور ایرانیان، جمشید (۱۳۵۸ش): **واقعیت اجتماعی و جهان داستان**، تهران: امیر کبیر.
- ملا ابراهیمی، عزت؛ رحیمی، صغری (۱۳۹۴): «نقد جامعه‌شناختی رمان صیادون فی شارع ضیق از جبرا ابراهیم جبرا»، **پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت**، سال ۵، شماره ۱، صص ۱-۱۸.

عربی:

- أبوالنجا، أبوالمعاطی. (۲۰۰۸)، **العودة إلى المنفى**، القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- امین، احمد، (۲۰۱۲)، **زعماء الاصلاح في عصر الحديث**، بیروت: دار الكتاب العربی.
- انور، عبدالملک، (۱۳۸۱)، **اندیشه‌ی سیاسی عرب در دوره معاصر**، ترجمه: سید احمد موثقی، قم: دانشگاه مفید.
- توفیق، نجیب، (۱۹۷۰م)، **عبدالله ندیم خطیب الثورة العربیة**، القاهرة: مكتبة الكليات الازهریة.
- الحدیدی، علی، (۱۹۸۷م)، **عبدالله ندیم خطیب الوطنیه**، القاهرة: الهيئة المصریة العامه للكتاب.
- صدقی، حامد؛ حسینی، عبدالله؛ سلیمی‌نژاد، انصار (۱۳۹۱): «روایة الحی اللاتینی علی ضوء النظرية البنیویة الغولدمانیة»، **دراسات الأدب المعاصر**، السنة الرابعة، العدد ۱، صص ۶۵-۹۵.
- میرزائی، علی؛ شیخی، علی رضا (۱۳۹۸): **قراءة لروایة «أسطورة النداهة لأحمد خالد توفیق فی ضوء البنیوی التکوینی لغولدمان، إضاءات نقدیة**، السنة التاسعة، العدد ۳۵، صص ۹۵-۱۲۶.

انگلیسی:

- Althusser, Louis, and Etienne, Balibar, (1971) **Reading capital**. New York: Pantheon Books.
- Sutardi, Herman J Waluyo, Winarni, Retno, & Wardani, Nugraheni Eko.(2013). The Study of Genetic Structuralism, Gender, and Values of Education in Trilogy Novel Gadis Tangsi by Suparto Brata Online **International Interdisciplinary Research Journal**, {Bi-Monthly}

Abstract

**From the meaningful Structure of the Novel
"Return to the Deportation" yb " Abu al-Muati
Abu al-Naja"to the Structure of Egypt Society**

Hosein Kiani*

Khatere Ahmadi**

Shahla Jafari***

Sociological criticism examines the relationship between a literary work and society and their interplay. Whereas the literary text, as a meaningful whole, establishes a dialectical relationship with society, history, politics, and economics; So, the sociological study of literary texts requires a method that can explain the relationship between the construction and content of the literary work and the social structure. Thus, the present study intends to use the method of qualitative content analysis to criticize the structure of a literary work and its most basic elements including theme, worldview, the hero character in the novel " Return to Deportation "(Based on the Developmental Constructivism Theory) and then important infrastructure of Egypt society at the time of Egyptian author, Abu al-Muati Abu al-Naja. This novel was based on Goldman's developmental constructivist theory at two levels of perception and interpretation. The results of the research show that Abu al-Muati, by theme depicting political corruption, class distance, social oppression, and economic poverty, has provided the ground for discovering the relationship between the structure of his literary work and the structure of Egyptian society in the period 1859-1877. The author's worldview is also reflected in the collective consciousness of the middle class, which the problematic hero of this collective consciousness has led to possible consciousness. On the other hand, in the interpretation stage, to make the literary text comprehensible, the relationship between the literary work and social, political, and economic structures was explained. And this indicates that there is harmony and accommodation between the meaningful structure of Abu al-Muati's novel with the political, social, and economic structure of Egyptian society in the foregoing period.

Keywords: Sociology of Literature, Developmental Constructivism, Goldman, Abu al-Muati Abu al-Naja, Return to the Deportation.

* Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, University of Shiraz
(Corresponding Author) hkyanee@shirazu.ac.ir

** PhD of Arabic language and literature, University of Isfahan kahmadi200@yahoo.com

*** PhD Student, Department of Arabic Language and Literature, University of Shiraz
sh.jafary90@gmail.com